

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره مبارکه علق

استاد ضرابی بهمن ۱۳۹۹

جلسه اول ۹۹/۱۱/۱۳

آیه شریفه: « بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ »

عنوان: از رحمت بی منتهاش چه می‌خواهیم؟

با ورود به سوره مبارکه علق، این سؤال مطرح می‌شود که در قرائت «بِسْمَلَهُ» باید از رحمت رحمانیه و رحیمیه خداوند متعال چه بخواهیم؟

با سابقه‌ای که از قرائت این سوره شریفه قبلا در قلبمان نقش بسته است، می‌دانیم که خداوند اولین آیه را با امر به «اقرأ» آغاز نموده که با آخرین آیه همین سوره که امر به سجده و تقرب نموده است، از نظر محتوا کاملا تطبیق دارد، یعنی ختم و بدو کلام یکی است اما با جلوه دیگری ظاهر می‌شود.

با این مرور محور اصلی سخن در این سوره مبارکه را که در اثناء آن تفصیل پیدا کرده، یافته‌ایم.

محور اصلی سخن و نیاز مبرمی که خداوند بندگان را متوجه آن می‌نماید و در صدد پاسخگویی به آن است نیاز به تحصیل «توان و قدرت بر قرائت آیات الهی» است؛ البته نه فقط روخوانی و تجوید یا لحن و صوت بلکه دیدن آیات الهی با چشم دل و تصدیق و اعتراف قلبی و عمل به آنها.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «الإيمان اقرار باللسان وعقد في القلب وعمل بالأركان... - ایمان اعتراف به زبان و گره خوردن و حک شدن در قلب و عمل نمودن به مفاد آن است.» (کافی، ج ۲، ص ۷۷)

زین حکایت کرد آن ختم رسل از ملیک لا یزال و لم یزل

که نگنجیدم در افلاک و خلا در عقول و در نفوس با علا

در دل مؤمن بگنجیدم چو ضیف بی ز چون و بی چگونه بی ز کیف

### عنوان: قدرت بر قرائت و مراتب آن

قرائت در مراتب مختلفی قابل تصور است که همه آنها در سواد قرآنی و در مهارت روخوانی قرآن خلاصه نمی‌شود؛ یکی از معانی قرائت که در اینجا مد نظر است دیدن آیات خدا در طبیعت یا در عالم نفس و تصدیق قلبی و اعتراف قلبی به آن است. مثلاً قدرت دیدن آیت حکمت خداوند در خلقت انسان و تصدیق و اعتراف قلبی به حکیم بودن حق تعالی.

اگر انسان نتواند در دیدن تولد انسان و زندگی و حیات او حکمت الهی را ببیند و قلباً در برابر حکمت و دانایی پروردگارش سر فرود آورد، عملاً این آیه را نتوانسته قرائت کند. و چنانچه نتواند به مقتضای حکمت الهی رفتار کند. مانند جسد بدون روح یا زمین بدون آب خواهد بود.

لقمان علیه السلام می‌گوید: «يا بُنَيَّ! تَعَلَّمِ الْحِكْمَةَ تَشْرَفْ، فَإِنَّ الْحِكْمَةَ تَدُلُّ عَلَى الدِّينِ وَ تُشْرَفُ الْعَبْدَ عَلَى الْحُرِّ وَ تَرْفَعُ الْمَسْكِينَ عَلَى الْغَنِيِّ وَ تُقَدِّمُ الصَّغِيرَ عَلَى الْكَبِيرِ وَ تُجَلِّسُ الْمَسْكِينَ مَجَالِسَ الْمُلُوكِ وَ تَزِيدُ الشَّرِيفَ شَرَفًا وَ السَّيِّدَ سُودًا وَ الْغَنَى مَجْدًا. وَ كَيْفَ يَظُنُّ ابْنُ آدَمَ أَنْ يَنْتَهِيَ لَهُ أَمْرُ دِينِهِ وَ مَعِيشَتِهِ بِغَيْرِ حِكْمَةٍ وَ لَنْ يُهَيِّئَ اللَّهُ - عَزَّ وَ جَلَّ - أَمْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ إِلَّا بِالْحِكْمَةِ. وَ مَثَلُ الْحِكْمَةِ بِغَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ مَثَلُ الْجَسَدِ بِلا نَفْسٍ أَوْ مَثَلُ الصَّعِيدِ بِلا مَاءٍ، وَ لا صَلاَحَ لِلْجَسَدِ بِغَيْرِ نَفْسٍ وَ لا لِلصَّعِيدِ بِغَيْرِ مَاءٍ وَ لا لِلْحِكْمَةِ بِغَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ - عَزَّ وَ جَلَّ - بِسَرْمٍ! حِكْمَتِ بِيَامُوزِ تا بلندپایه گردی؛ زیرا که حکمت، به سوی دین راهنمایی می‌کند و برده را بلندپایه تر از آزاد می‌نماید و مسکین بینوا را ارجمندتر از ثروتمند می‌دارد و کوچک را بر بزرگ، مقدم می‌سازد و بینوایان را بر جایگاه سلاطین می‌نشانند و شریفان را شرف و سروران را آقایی و ثروتمندان را بزرگی می‌افزاید. چگونه فرزند آدم می‌پندارد که کارهای دین و دنیایش، بدون حکمت، سامان خواهد یافت، در حالی که هرگز خدای - عَزَّ وَ جَلَّ - امر دین و دنیا را بدون حکمت، سامان نمی‌بخشد. و مَثَلُ

حکمت بدون اطاعت خداوند، مثل جسم بی روح یا مثل زمین بی آب است و چنان که جسم بی روح را شایستگی زندگی، و زمین بی آب را شایستگی خرمی نیست، حکمت نیز بدون اطاعت خداوند، به کمال نمی انجامد». (بحار الأنوار، ج ۱، ص، ۲۱۹، ح ۵۱)

چنانچه کسی آیت خواب را که خداوند در انسان و حیوانات قرار داده ببیند و نتواند با قلبش مرگ خود را تصدیق کند و نیز آیت بیدار شدن از خواب را ببیند و نتواند با قلبش روز بعثت و برانگیخته شدن را تصدیق کند نتوانسته است این آیات الهی را تلاوت کند.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: «كَانَ فِيما وَعَظَ بِهِ لُقْمَانُ ابْنَهُ أَنْ قَالَ : يَا بُنَيَّ ، إِنْ تَكُ فِي شَكٍّ مِنَ الْمَوْتِ فَارْفَعْ عَن نَفْسِكَ النَّوْمَ وَلَنْ تَسْتَطِيعَ ذَلِكَ ، وَإِنْ كُنْتَ فِي شَكٍّ مِنَ الْبَعْثِ فَادْفَعْ عَن نَفْسِكَ الْإِنْتِبَاهَ وَلَنْ تَسْتَطِيعَ ذَلِكَ ، فَإِنَّكَ إِذَا فَكَّرْتَ عَلِمْتَ أَنَّ نَفْسَكَ بِيَدِ غَيْرِكَ ، وَإِنَّمَا النَّوْمُ بِمَنْزِلَةِ الْمَوْتِ ، وَإِنَّمَا الْيَقَظَةُ بَعْدَ النَّوْمِ بِمَنْزِلَةِ الْبَعْثِ بَعْدَ الْمَوْتِ... - لقمان عليه السلام - در اندرز به فرزند خود - فرمود : فرزندم! اگر درباره مردن شك داری، خواب را از خودت بردار، اما بدان که هرگز توان این کار را نداری و اگر درباره رستاخیز شك داری، بیدار شدن از خواب را از خودت بردار؛ لیکن بدان که هرگز نمی توانی چنین کنی. اگر بیندیشی پی میبری که جان تو در اختیار غیر توست و خواب در حقیقت به منزله مرگ است و بیدار شدن پس از خواب به منزله برانگیخته شدن پس از به مرگ...» (قصص الأنبياء، ص ۱۹۰ ح ۲۳۹ - بحار الأنوار، ج ۱۳ ص ۴۱۷)

نزد آنکه جانش در تجلی است همه عالم کتاب حق تعالی است

از او هر عالمی چون سوره‌ای خاص یکی زان فاتحه و آن دیگر اخلاص

### عنوان: بخوان و بالا برو

با توجه به اینکه موضوع قرائت می‌تواند کتاب طبیعت یا کتاب نفس و یا کتاب مبین یا لوح محفوظ یا ام‌الکتاب یا کتاب حفیظ و غیر آن باشد، مراتب خوانندگان

و عمقی از کتاب که می‌خوانند با یکدیگر متفاوت است اگرچه حقیقت قرآن کریم شامل همه این مراتب می‌شود؛ پیامبر گرامی اسلام فرمودند:

«... وَلَهُ ظَهْرٌ وَبَطْنٌ، فَظَاهِرُهُ حَكْمٌ وَبَاطِنُهُ عِلْمٌ، ظَاهِرُهُ أَنْيَقٌ وَبَاطِنُهُ عَمِيقٌ، ...»  
برای قرآن ظاهری و باطنی است. ظاهرش حکم، و باطنش دانش است. ظاهرش زیبا و باطنش ژرف است. «(کلینی، ج ۴، ۳۹۸ و ۳۹۹). تا آنجا که می‌فرمایند: «إِنَّ لِلْقُرْآنِ ظَهْرًا وَبَطْنًا وَلِبَطْنِهِ بَطْنٌ إِلَى سَبْعَةِ أَبْطُنٍ - برای قرآن ظاهری و باطنی است، و برای باطن آن باطن دیگری تا هفت بطن. «(شیعه، فیض کاشانی، ج ۱، ص ۴)»

بنابراین در قرآن از «کتاب» تعبیر مختلفی بکار برده شده است: «هذا کتابنا ینطق علیکم بالحق انا کنا نستنسخ ما کنتم تعملون - این کتاب ماست که به حق با شما سخن می‌گوید ما آنچه را که انجام می‌دادید می‌نوشتیم» (سوره جاثیه/۲۹).

«قد علمنا ما تنقص الارض منهم و عندنا کتاب حفیظ - همانا می‌دانیم که زمین از آنان چه می‌کاهد و کتاب محفوظ نزد ماست» (ق/۴).

و یا در آیه شریفه می‌خوانیم: «... لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ یُحَوِّثُ اللهَ مَا یَشَاءُ وَ یُثَبِّتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْکِتَابِ - برای هر زمان و دوره‌ای کتاب [و قانون] است. خداوند هر چه را بخواهد محو یا اثبات می‌کند و أم الكتاب تنها نزد او است یا آیه «فی لوح محفوظ» (رعد/۳۹-۳۸)

این آیات دلالت دارند بر این‌که کتابی است که حافظ اعمال تمام انسان‌ها و غیر آنها است. یا اینکه اجمالاً فهمیده می‌شود که منظور از کتاب مبین همان مقام علم پروردگار است؛ یعنی همه موجودات در علم بی‌پایان او ثبت‌اند.

مانند آیاتی که می‌گویند: «... وَمَا یَعْرَبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِی الْأَرْضِ وَلَا فِی السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِی كِتَابٍ مُبِینٍ - ... در زمین و آسمان چیزی به سنگینی ذره از پروردگار تو پوشیده نیست، و هیچ موجودی کوچکتر و بزرگتر از آن نیست، مگر این‌که در کتابی مبین هست» (یونس، ۶۱)

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در وصیت به فرزندش محمد بن حنفیه فرمود: «... و عليك بتلاوه القرآن (بقرآءه القرآن) و العمل به و لزوم فرائضه و شرائعه و حلاله و حرامه و أمره و نهیه و التهجد به و تلاوته فی لیلک و نهارک فانه عهد من الله تعالى الى خلقه فهو واجب على كل مسلم أن ينظر فی كل يوم فی عهده و لو خمسين آیه. و اعلم أن درجات الجنة على عدد آيات القرآن فاذا كان يوم القيامة يقال لقارى القرآن اقرأ و ارق، ... - بر شما باد به تلاوت قرآن! و عمل به آن و التزام به واجباتش و احکامش، حرامش و حلالش، امرش و نهیش و قرائت در شب و روز. به درستی که قرآن عهد خداوند است بر بندگانش، بر بنده خداست که به آیات الهی بنگرد و آن را تلاوت کند ولو پنجاه آیه در هر روز؛ زیرا که درجات بهشت با عدد آیات مساوی است. روز قیامت به قاری قرآن گفته می شود که: بخوان و بالا برو. و او هر آیه که می خواند، یک درجه بالاتر می رود. (آخر من لا يحضره الفقيه و وافى فیض ج ۱۴ ص ۶۵)

از این احادیث فهمیده می شود: هر کس به هر آیه ای عمل کرده است، می تواند بخواند و بالا برود و هر آیه ای که عمل نکرده یا متوجه نشده است، قادر به خواندن آن در آخرت نخواهد بود.

البته در روایات، کسانی که محبت خدا و رسول و اهل بیت او (صلوات الله عليهم اجمعين) را در دل دارند از این امتیاز برخوردارند که در قبرشان (برزخ) به آنها قرآن آموخته می شود. امام صادق علیه السلام: «مَنْ مَاتَ مِنْ أَوْلِيَانَا وَ شِيعَتِنَا وَ لَمْ يُحْسِنِ الْقُرْآنَ عُلِّمَ فِي قَبْرِهِ لِيُرْفَعَ اللَّهُ فِيهِ دَرَجَتُهُ ، فَإِنَّ دَرَجَاتِ الْجَنَّةِ عَلَى قَدْرِ عَدَدِ آيَاتِ الْقُرْآنِ فَيَقَالُ لِقَارِي الْقُرْآنِ : اِقْرَأْ وَ اِرْقْ - هر کس از دوستان و شیعیان ما که بمیرد و قرآن را خوب بلد نباشد، در قبرش قرآن به او آموخته شود تا خداوند به سبب آن درجه اش را بالا برد؛ زیرا درجات بهشت به اندازه شمار آیات قرآن است. پس به قرآن خوان گفته شود: بخوان و بالا رو.» (بحار الأنوار: ۱۰/۱۸۸/۹۲)

نخستین آیتش عقل کل آمد	که در وی همچو باء بسمل آمد
دوم نفس کل آمد آیت نور	که چون مصباح شد از غایت نور

سیم آیت در او شد عرش رحمان      چهارم «آیت الکرسی» همی دان  
پس از وی جرمهای آسمانی است      که در وی سوره سبع المثانی است

### عنوان : آیا اکنون می‌دانیم از رحمت نامنتهای او چه بخواهیم؟

وقتی ضرورت آموختن قرآن را دانستیم و فهمیدیم که به فرموده امام صادق (علیه السلام) «ینبغی للمؤمن ان لایموت حتی یتعلم القرآن او یکون فی تعلمه - سزاوار است که مؤمن نمیرد، تا آن که قرآن را آموخته باشد، یا در حال و مسیر فراگرفتن قرآن باشد». (الحیاء، ۲/ ۱۰۵) و همچنین تمام تلاش خود را بکار می‌بندیم که به تعبیر امام از کسانی نباشیم که: «واحذر ان تقع من اقامتک حروفه فی اضاعة حدوده - بپرهیز از این که در مسیر اقامه حروف، به اضاعة حدود بیفتی». (بحار الأنوار، ۴۳/۸۲)

اکنون در تلاوت « بسم الله الرحمن الرحيم » خداوند را به رحمت نامنتهایش می‌خوانیم و با نیایش امامان هم نوا می‌شویم که: «... أَللّهُمَّ إِنِّي نَشَرْتُ عَهْدَكَ وَ كِتَابَكَ فَاجْعَلْ نَظْرِي فِيهِ عِبَادَةً وَ قِرَائَتِي فِيهِ فِكْرًا، وَ فِكْرِي فِيهِ اِعْتِبَارًا، وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ اَتَعَطَّ بِبَيَانِ مَوَاعِظِكَ فِيهِ وَ اجْتَنَبَ مَعَاصِيكَ، وَ لَا تَطْبَعْ عِنْدَ قِرَائَتِي عَلَي سَمْعِي، وَ لَا تَجْعَلْ عَلَي بَصْرِي غِشَاوَةً، وَ لَا تَجْعَلْ قِرَائَتِي قِرَاءَةً لَا تَدَبَّرُ فِيهَا، بَلْ اجْعَلْنِي أُتَدَبِّرُ آيَاتِهِ وَ أَحْكَامَهُ، أَخْذًا بِشَرَائِعِ دِينِكَ، وَ لَا تَجْعَلْ نَظْرِي فِيهِ غَفْلَةً وَ لَا قِرَائَتِي هَذَا، إِنَّكَ أَنْتَ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ - خدایا! من شهادت می‌دهم این، کتابتوست که از نزد تو بر رسالت محمد بن عبدالله نازل شده است. و کلامتوست که بر زبان پیامبرت جاری شده است. آن را هادی به سوی خلقت قرار داده ای و ریسمان متصل بین خود و بندگانت قرار داده ای. خدایا! من عهد و کتابت را باز می‌کنم. خدایا! نظر کردنم در قرآن را، عبادت و قرائتم را، فکر و فکر کردنم در آن را عبرت پذیری قرار ده. مرا از کسانی قرار ده که به وسیله بیان مواعظ تو در قرآن، موعظه می‌پذیرند و از نافرمانی تو پرهیز می‌کنند. و هنگام قرائت کردنم، برگوش (دل) من مهر (غفلت) و بر دیدگان (قلبم) پرده (جهالت) قرار نده و قرائتم را قرائتی بدون تدبیر قرار مده بلکه مرا اهل تدبیر در آیات و احکامش

قرار ده، به گونه ای که شرایع دینت را اخذ کنم. و نظرم را در آن، نظر غفلت و قرائتم را، بیهوده گویی قرار نده. به درستی که تو مهربان و رحیم هستی.» (بحار، ج ۹۲، ص ۲۰۷).

حال ما در فُرقتِ جانان و ابرام رقیب

جمله می‌داند خدای حال‌گردان غم‌مخور

حافظدار کُنچ فقر و خلوت شب‌های تار

تا بُوَد وردت دعا و درس قرآن غم‌مخور